

نگاه روز

جامعه‌شناسی کتاب‌نخوانی

لرد شیرگراند
جامعه‌شناس



موضوعی که این روزها به عنوان مسأله روز مطرح شده، بحث درباره کتاب است که هر ساله همزمان با بازگشایی نمایشگاه بین‌المللی کتاب در تهران، لوح می‌گیرد. در این مجال به این دلیل که وسعت موضوعات مربوط به کتاب و کتابخوانی بسیار زیاد است، موضوعی به نام فیزاس کتابخوانی در ایران با کشورهای دیگر را مدنظر قرار داده‌ایم. اگر بخواهیم کتابخوانی را ایران را با دیگر کشورهای جهان مقایسه کنیم می‌توان گفت: به‌دو دلیل، خط رجحان ایجاد می‌شود و تقریباً نمی‌توان مقایسه درستی انجام داد و به نتیجه قابل قبولی دست پیدا کرد. میزان کتابخوانی در کشورها بسته به فرهنگ و تاریخ آنها متفاوت است. با یک مثال می‌توانم منظورم را بیان کنم. پدر من بلافاصله پسداد بود اما در نسل بعد، او ۱۱ فرزند دارد که همگی تحصیلات عالی دانشگاهی دارند. این بدان معناست که در واقع ادبیات باسواد انتظار داشته باشیم کتابخوانی در مردم ما نهادینه شده باشد. ناگهان فرهنگی به تاریخ می‌توانیم درایم که نباید توقع داشته باشیم کتاب و کتابخوانی در همه اقشار جامعه جاقانده باشد. به همین تناسب که باسوادری ریشه‌چندانی در کشور ندارد، کسب دانش و اطلاعات در میان مردم خیلی زود سطحی می‌شود؛ یعنی مردم به کسب اطلاعات سطحی مثل اطلاعات عمومی قانع هستند. شنیدن اخبار روز، خواندن ستون‌های خبری و دانش عمومی مردم را راضی می‌کند. کمتر کسی به دنبال خواندن محتوای تخصصی می‌رود. هر آنچه که مردم بخواهند در فضای مجازی می‌یابند. احساس نیاز به کتابخوانی دیده نمی‌شود. یعنی درمان و نهایتاً تفریح و سرگرمی است. کتاب مطالعه اولویت جامعه متوسط ما نیست. در آمریکا کفاف گذران زندگی روزمره مردم را نمی‌دهد. حقوق با هزینه‌های خانوار ندارد. پول صرف می‌کنند که مازاد در آمدشان زیاد باشد. مطمئناً در این شرایط کتاب جزو اولویت‌های اکثریت مردم نیست چون منابع مالی لازم را در اختیار ندارند.

نگفته دیگر این است که در جامعه ما انگار کسانی که فریخته می‌شوند باید هزینه فریخته شدن را بپردازند. شخصی فریخته می‌شود که اظهار نظر خاص، مقاله خاصی یا کتاب خاصی داشته باشد. یعنی این هزینه و نگرانی برای نخبگان و صاحبان نظر حوزه‌های مختلف وجود دارد که آیا می‌توانند کتابی منتشر کنند یا نه. بیان دیگر در کشور ما هزینه دایمی بالاست که طبیعتاً در این فضا کتاب و کتابخوانی کم‌تر می‌گردد. مجتهد دیگری که مطرح است مایه از این نمود بیرونی مطالعه و کسب دانش است. هر فعلی باید یک نمود خارجی داشته باشد. ما در جامعه‌های توسعه‌یافته که در درس‌خواندن و ارتقای علمی و فکری نمود بیرونی چندانی ندارد. یعنی کسی که تحصیل کرده‌تر است لزوماً زندگی موفق‌تر و بیشتری ندارد. این موضوع هم به‌عنوان اصل در میان مردم جاقانده است که اساساً کسب علم و دانش تضمین موفقیت در زندگی نیست. بنابراین همه این مسائل و چندین دیگر که هر کدام قابل طرح و بحث هستند، باعث شده که کتابخوانی در میان مردم جامعه ما پایین باشد و سرسره مطالعه روز به روز کاهش پیدا کند.

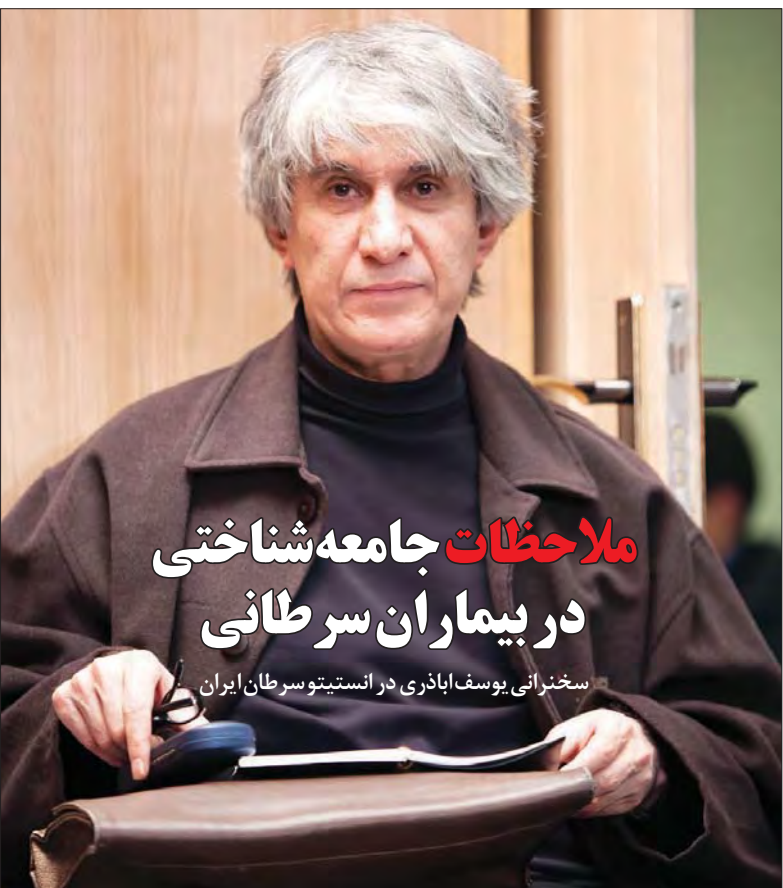


طرح نو
شهرود



بی‌مناسبت
در امور فرهنگی
کوتاهی کرده‌ایم!
تاها بهانی

دیگران
هدف از بسیاری
آموزشی
مایکل گتز و مایک زاکس



ملاحظات جامعه‌شناختی
در بیماران سرطانی
سخنرانی یوسف اباذری در انستیتو سرطان ایران

طرح نو | مطلبی که می‌خواهید در اوراق می‌توان گفت و گویید و از هر یک سرطانی و دیگری دکتر یوسف اباذری که هرگز فراموشی میان این دو نامید)

اول سرطان؛ یکی از چند بیماری صعب‌العلاجی است که دست‌کم در افکار عمومی بخش‌های وسیعی از جامعه ایران، نه‌مصرف بلکه لاعلاج شناخته شده و جامعه‌های آسیب‌آزادانه کسانی که مبتلا به سرطان شده‌اند، شونید، خوردن است که برخلاف بسیاری از هم‌شده‌هایش، جامعه‌شناسی را با بحث‌های مربوط به

این تحقیقات ریز و تجربی بسیاری در مورد این که این جریان متشنن شدن به چه شکلی اتفاق افتاد، انجام داده است. مثلاً در مورد آداب میز غذاخوری تحقیق کرده است و نشان داده است که چگونه پخته‌ها هستند به‌این حالت فعلی (متشنن شدن نزدیک است). است ایلیس در مورد آداب سر سفره معتقد بود که افراد قدیم (در دوران قرون وسطی) آداب میز غذاخوری دقیقاً نداشتند. مثلاً برای تمیز کردن دهان خود هنگام غذا خوردن از دستمال استفاده می‌کردند، بلکه با استسج، دهان خود را پاک می‌کردند یا این که گردن آن‌ها را می‌شستند. غارا تا می‌گردد این تفکر در غار در سفره که امروز بسیار بسیار مشهور شده است. در قدیم یک امر بسیار عادی بوده است. یا اینکه در قدیم یک غذای گوشتی مثلا یک گوساله را به‌عنوان کامل طبع می‌کردند و سر سفره قرار می‌دادند. معمولاً بشر امروزه گوشت را فقط غذا می‌خورند تا افراد احساس کنند که در حال خوردن است. جانور کشته‌شده (البته به جز موارد استثنایی مانند غذای گوسفندی یا خورن گوشت مرغ) نوربت ایلیس می‌گوید که در گذشته دستمال را فرود یک پنجم استفاده کرده است

پنج دستمال داشته است و هیچ‌کس به جز او حق نداشت برای پاک کردن دهان با دستمال از دستمال استفاده کند. ایلیس توضیح می‌دهد که است که استفاده از دستمال روغ بی‌بیماری است. قلق و چنگال درست می‌شود و برای خوردن انواع غذاها آداب مخصوصی ایجاد می‌شود که مردم مجبور شدند آن آداب را به نحوی از اجابت رعایت کنند. امروزه نیز همان‌طور که می‌بینید طبقات بالاتر از تحویه غار خوردن طبقات پایین رنج می‌کنند (امروزه برای آن هورت کیندن (جای) آنها مسأله است که کسی که با این کار) این جریان را طی کرده‌اند. احساس فلانی نمی‌کنند. به‌طور کلی حرف نوربت ایلیس این است که از این جریان متشنن شدن در همه شئون زندگی اتفاق می‌افتد و مسأله‌ای که متشنن می‌شود روغ کنترل بیشتری روی این‌ها خواهد بود. ایلیس می‌گوید که در دوران اولیایان کنترلی که الان روی این‌ها خواهد بود. ایلیس می‌گوید که در دوران اولیایان کنترلی که الان روی این‌ها خواهد بود. ایلیس می‌گوید که در دوران اولیایان کنترلی که الان روی این‌ها خواهد بود.

ایلیس می‌گوید که در دوران اولیایان کنترلی که الان روی این‌ها خواهد بود.

جامعه‌توانمند

موسسات مردم‌نهاد
و توسعه‌یابندگان
| نریمان نویلی | مقاله‌دینی |

دوران انقلاب صنعتی، نقطه‌عطفی برای تاریخ زندگی بشر به‌شمار می‌آید. با گذار به دوران مدرن و پیشرفت‌هایی که پیامد دوران انقلاب صنعتی است، ساختار جوامع و روابط میان انسان‌ها تغییر کرد. در دوران مدرن، عموم مردم جامعه وظایف بیشتری را برعهده گرفته و مسئولیت‌پذیری بیشتری در امور اجتماعی، تقبل کردند. پیرو همین امر، مفاهیمی همچون هوش جمعی و قدرت تصمیم‌گیری پدید آمد. قطعاً ذهن پرسشگر و فعال خواننده به این موضوع توجه دارد که در این دوران، انسان‌ها دیگر نه یک «رعیت» بلکه یک «شهروند» هستند و متناسب با حقوق شهروندی خود، وظایفی را بر دوش خواهند کشید.

نکته کلیدی این سازمان‌ها در نحوه عملکرد، مدیریت، رشد یا انحلال آنهاست. به شیوه سیستمی - تجربی می‌توان نتیجه گرفت که فرهنگ عمومی در مدیریت و مسیر تحول انجمن‌های مذکور نقش بسزایی دارد. به شکل مشروع می‌بینیم که جوامع مختلف انجمن‌های مردم‌نهاد رفتارهایی بر گرفته از اخلاق عمومی جاری و حاکم بر ساختار کلی جامعه را از خود بروز می‌دهند. با ناگهی و وسوسه‌تری می‌توان این گونه نتیجه‌گیری کرد که این سازمان‌ها همان‌هایی کوچک‌تر از خود جامعه هستند که در صورت بهره‌وری از مناسبات و تقویت چنین نهادهایی می‌توان به جامعه‌ای توانمند دست یافت. برای مثال، ممکن است در نحوه مدیریت یا روح حاکم بر قوانین اجرایی جامعه (منظور از خود جامعه همان است که شما در ذهن تصور می‌کنید) تفاوتی داشته باشد یا به نظر آوردن مفروضات گفته شده، به این حکم می‌رسیم که اگر ما بخواهیم هر یک نهاد مردم‌نهاد داشته باشیم، با احتمال بسیار زیاد رفتارهایی از خود بروز می‌دهیم که خود منتقدان بوده‌ایم. سواد دیگر این نتیجه‌گیری نیز دارای اعتبار خود را دارد. بدین ترتیب به اصلاح سازمان‌ها و انجمن‌ها امکان و احتمال اصلاح جامعه نیز از ضربه‌های مثبتی برخوردار خواهد بود. بدین‌استاد این ضربه‌های مثبتی از فاکتورهای دیگری همچون میزان مشارکت عمومی نیز تأثیر می‌پذیرد.

برای تشریح بهتر، قصد این است که در زمینه‌های مختلف درباره میزان تأثیرگذاری جامعه‌شناسی این انجمن‌های مردم‌نهاد اشاره‌ای داشته باشیم. به عنوان مثال، در حوزه مدیریت، یکی از نشانه‌های پیشرفت جامعه میزان تعقل‌گرایی آن است. منظور از این تعقل‌گرایی، مفهوم فلسفی و اقلیدر کردن استدلال‌های متعلق است. از سوی دیگر، در نظر داشتن تقسیم‌بندی‌های متعارف، تعقل‌گرایی را به دو حوزه فزردی و گروهی متمایز می‌کنیم. به توجّه به این تقسیم‌بندی، بخشی از رشد و پیشرفت جامعه در گرو خرجه‌ای است. بر این اساس آنچه می‌تواند به‌این تعقل جمعی کمک کند، پذیرش و احترام به نظرات سایرین خواهد بود. که مایه قوام و بقای گروه تصمیم‌گیرنده است. صفات هر آن فردی که دارای مهارت حفظ فردیت و شأن خود، نیازمند بیان نظرات مشخص‌شان هستند. بدین‌استاد امکان گردآوری این دو مهم هر کنار هم می‌تواند بسیار زیاد باشد و انجمن‌های مردم‌نهاد با توجه به ساختار و برقراری این وظایف، تأثیرگذار در این امر است.

در سطح جامعه‌شناسی می‌توانیم از این‌ها آن‌جا که سازمان‌های غیرسیاسی هستند، انحلال طرح و کنترشن دیدگاه‌های گوناگون را فراهم و با نفع‌های مکرر آنها را اصلاح می‌کنند. این امر برای رسیدن به این سطح مطلوب به ملزوماتی نیاز داریم که بحث درباره آن خارج از حوصله این مجال است.

از آنچه گذشت، می‌توان این گونه برداشت کرد که سازمان‌های مردم‌نهاد یکی از مولفه‌های رسیدن به توسعه‌یابندگان بوده و می‌توانند سر رفتارهای فردی و ساختار حقوق و وظایف شهروندی تأثیر بسزایی بگذارند. بدون‌شک این شکل‌ها در کنار سایر ریزساختارهای اجتماعی، رسیدن به بلوغ رفتاری فردی و جمعی را تسهیل کرده و کم‌کم با تغییر در سطح توسعه‌یابندگان جوامع، چهره و ماهیت‌شان را زگرگون می‌کنند.

ایلیس می‌گوید که در دوران اولیایان کنترلی که الان روی این‌ها خواهد بود.

ایلیس می‌گوید که در دوران اولیایان کنترلی که الان روی این‌ها خواهد بود.

ایلیس می‌گوید که در دوران اولیایان کنترلی که الان روی این‌ها خواهد بود.

ایلیس می‌گوید که در دوران اولیایان کنترلی که الان روی این‌ها خواهد بود.